

## نکاتی در رابطه با ؛

### قرارداد همکاری ۲۵ ساله ایران و چین

احمد نوین

قبل از بررسی موضوع آنچه به نام قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین ورد زبان ها شده و توصیفات متعددی در رابطه با این " قرار داد " تبلیغ میشود، ضروری است که :

**با نگاهی به چین: با برخی از خصوصیات یک طرف قرار داد حداقل آشنا شویم.**

سر آغاز: رهبر انقلاب چین "مائو تسه تونگ دنگ" در سال ۱۹۷۸ به درود حیات گفت و پس از مرگ او "دنگ شیائوپینگ" رهبر نخبگان نسل دوم جمهوری خلق چین در سال ۱۹۷۸ رهبر حزب کمونیست چین و رهبر عالی مقام چین شد.

او با سیاست اصلاحات کشاورزی، صنعت، قوای دفاعی، علم و صنعت باعث تحول عظیمی در چین شد و مسیر کشور چین را کاملاً تغییر داد و سیاست درهای باز و حرکت به سمت سرمایه داری، تحت نام رسمی؛ سوسیالیسم خاص چین را آغاز کرد.

سیاست درهای باز و حرکت به سمت سرمایه داری، در جذب سرمایه گذاری خارجی، انتقال تکنولوژی از طریق شرکت های چند ملیتی و باز کردن درهای تازه بر روی تجارت جهان، نقش ویژه ای در چین داشت.

با ورود سرمایه خارجی به چین، اقتصاد بازار آزاد برقرار و تجارت و رفت و آمد با دیگر کشورها آغاز شد. بدینگونه چین در صحنه بین‌المللی، سیاست ملایم با دنیا را در پیش گرفت و به موازنه قدرت از طریق تقویت قدرت داخلی متمرکز شد.

پس از شیائو پینگ، حزب کمونیست چین "شی جین پینگ" را در تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۱۲ به عنوان رهبر عالی مقام این کشور و رئیس جدید کمیسیون مرکزی ارتش چین انتخاب کرد. در مارس ۲۰۱۸ کنگره ملی خلق با اصلاح قانون اساسی چین، محدودیت دوره‌های تصدی ریاست جمهوری و معاون ریاست جمهوری خلق چین را برداشت و کمیسیون نظارت ملی را ایجاد کرد و در ۱۷ مارس ۲۰۱۸، شی جین پینگ مجدداً برای ریاست جمهوری برگزیده شد.

"شی" اکنون عالیرتبه ترین مقام جمهوری خلق چین است. دیگر سمت های او ؛ دبیرکل حزب کمونیست چین و رئیس‌جمهور چین است. به علاوه، به عنوان دبیرکل دارای یک کرسی در کمیته دائمی پلیت بوری حزب کمونیست چین نیز هست که عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری چین است.

سیاست های درهای باز و حرکت به سمت سرمایه داری، با به قدرت رسیدن شی جین‌پینگ ادامه پیدا کرد. اما در سال ۲۰۲۰ به تدریج با شروع جنگ اقتصادی آمریکا با چین و درگیری دونالد جان ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا با

رهبری چین بر سر منشاء شیوع کرونا، چین عملاً از سیاست صبر و مدارای پیشین فاصله گرفت.

در رابطه با وضعیت مالی چین، قابل ذکر است که در حال حاضر ذخیره ارزی چین بیش از 3.1 تریلیون دلار است. فزون بر این، ارزش ذخایر طلای چین نیز در ماه ژوئن ۲۰۲۰ دوباره افزایش یافت و ذخایر طلای چین نیز به بیش از 110 میلیارد دلار رسید. در ماه گذشته (ژوئن ۲۰۲۰)، ارزش یوان در برابر دلار ۱،۱ درصد افزایش داشته است.

کوتاه سخن؛ اقتصاد چین (بر مبنای سوسیالیسم خاص چین)، از دهه هفتاد قرن ۲۰ با شتاب بسیار تغییر کرده و در حال رشد است. بر اساس برابری قدرت خرید، چین دارای اقتصاد بزرگی در جهان و یک بازیگر اصلی در اقتصاد جهانی است.

در مجموع از آغاز سال ۱۹۷۹ تا کنون، از نظر اقتصادی بهترین دوران پس از تأسیس جمهوری خلق چین است. بخش قابل توجهی از مردم نیز به لحاظ تامین وضعیت معیشتی، در موقعیت بهتری هستند.

اکنون، اقتصاد چین دولتی، اقتصاد اشتراکی، اقتصاد خصوصی، اقتصاد با سرمایه مشترک، اقتصاد سهامی، اقتصاد با سرمایه گذاری خارجی و اقتصاد با سرمایه گذاری هنگ کنگ، مکائو و تایوان نیز در چین مشاهده می‌شود و جذب اقتصاد این کشور شده است.

- در رابطه با تامین حد اقل معاش زندگی؛ بنابر آمار منتشر شده [ احتمالاً از جانب دولت چین] اکنون تمامی شهرها و شهرستانهای چین نظام تامین حد اقل

معاش زندگی را ایجاد کرده و تامین معاش زندگی تمامی خانواده هایی که درآمد آنها از پایین ترین استاندارد محلی کمتر می باشد، تضمین شده است.

- بیمه بیماری و درمان اساسی تمامی موسسات، ارگانهای دولتی و گروه اجتماعی چین را پوشش داده و یکی از بیمه های دارای بیشترین بیمه گذار در چین محسوب می شود.

- بیمه سالمندی اساسی در چین مستمر گسترش یافته و موسسات دولتی و اشتراکی دسته جمعی به موسسات دیگر نیز توسعه یافته و تامین حقوق و منافع کارکنان موسسات غیر دولتی نیز تضمین شده است.

**لازم به توضیح است که امار و ارقام چین تنها به موارد فوق الذکر ختم نمی شود. از جمله اینکه :**

\*- نیمی از مردم چین کشاورزند. [ حدود ۷۰۰ میلیون نفر ].

\*- صنعتگران ۲۴ درصد و کارمندان و بازرگانان ۲۶ درصد نیروی کار فعال این کشور را تشکیل می دهند.

\*- صنایع اصلی چین بسیار گسترده و شامل محصولات آهن و استیل، زغال سنگ، ماشین آلات، نفت و پتروشیمی، اسباب بازی، کفش و لوازم الکترونیکی است.

\*- فراورده های اصلی کشاورزی عبارتند از : برنج، گندم، سیب زمینی، ذرت، بادام زمینی، چای، ارزن، جو، کتان، ماهی و خوک هستند.

\*- صادرات عمده عبارتند از: ماشین آلات، پوشاک، کفش، اسباب بازی، سوخت معدنی، مواد شیمیایی و واردات آن ماشین آلات، مواد شیمیایی، آهن و استیل و سوخت معدنی است.

صاحب نظرانی بر این باورند که چین تا سال ۲۰۲۵ میلادی خواهد توانست ۱۰ شهر در حد و اندازه‌های نیویورک احداث کند.

\*- از نظر بانک جهانی، محیط اقتصاد کلان این کشور با ثبات است و آمار جدید، رشد اقتصادی چین را نیز یک پیشرفت عمده دانسته است.

\*- مقامات صندوق بین‌المللی پول IMF معتقدند، رشد مناسب دو کشور هند و چین باعث تعدیل تأثیرات گرانی نفت در منطقه آسیا شده است. مقامات صندوق بین‌المللی پول، رشد اقتصادی آسیا را در سال ۲۰۰۷ هفت درصد و رشد اقتصادی چین را نزدیک به یازده و نیم و هند را هشت و نیم علام کردند.

### **در ادامه به نکات تاریک وضعیت چین اشاره میشود**

\* حدود ۲۰۰ میلیون نفر از مردم چین با درآمد روزانه کمتر از یک دلار زندگی می‌کنند.

\*- میلیون‌ها نفر در چین، همچنان در فقر شدید زندگی می‌کنند.

\*- در رابطه با آزادی های سیاسی و برابری حقوقی در چین به گوشه هائی از واقعیت نزدیک میشویم. مردم چین دستخوش کمبودهای قابل ملاحظه ای هستند. در رابطه با آزادی های بی قید شرط سیاسی در چین، در می یابیم که از اینگونه آزادی ها در آن سرزمین خبری نیست. در مورد چگونگی آزادی بطور کلی نیز، پس از انقلاب ۱۹۴۹ در چین، تا کنون به دفعات گزارشاتی در رابطه با سرکوب خواست های مردمی توسط نیروهای تحت امر هیئت حاکمه چین مخابره شده است. در رابطه با برابری حقوقی در چین نیز، اطلاعات قابل اطمینانی در دسترس نویسنده این مقاله نیست.

در رابطه با مقوله سوسیالیسم خاص چین: از زمانی که چین به ویژه به سوی سیاست های درهای باز و حرکت به سمت سرمایه داری گام برداشت، و جهت تقویت قدرت داخلی، در جذب سرمایه گذاری خارجی، سر از پا نه شناخت، و عملاً تمامی باورهای را که در رابطه با جامعۀ بعد از سرمایه داری تبلیغ میکرد، به فراموشی سپرده، اولویت اساسی نظام، گسترش تولید کالائی شد.

بنابر قوانین سرمایه، توده های میلیونی مردم زحمتکش ابزاری در خدمت برنامه های دولت مستقر و حفظ و حراست از هیئت حاکمه هستند. لذا، از همان آغاز سیاست درهای باز - که عملاً حرکت به سمت سرمایه داری در چین بود- و اجرای سیاست اقتصادی تقویت قدرت داخلی به عنوان اس و اساس نظام حاکم، ضمن تعمیق و گسترش قدرت رژیم مستقر در چین، هیئت حاکمه، چشم به آینده ای داشت که؛ منطقه نفوذ آن نظام را در فرای مرزهای چین گسترده گرداند. به راستی نیز این برنامه ها، به گونه ای شگفت انگیز پیاده شد. لذا راهی که

کشورهای متروپل کنونی در یک قرن و نیم پیموده بودند، چین تحت رهبری حزب "کمونیست" آن کشور و سوسیالیسم خاص چین، در مدتی کمتر از نیم قرن، پیمود.

افسوس که "اثرات جنبی" آن سیاست ها، وضعیت اسفناک اقتصادی ۷۰۰ میلیون از مردم چین را نتوانست بهبودی در خور انسان متمدن قرن بیستم کند. در آمد روزانه آنها معادل یک تا دو دلار است.

دوستی که بارها به چین سفر کرده و بنابر رشته تحصیلی اش که جامعه شناسی است و کنجکاو در آن موارد، قبل از آغاز "دوران" کرونائی میگفت؛ اگر مایلید در پس زرق و برق برخی از واقعیات امروز چین [ از جمله اینکه صندوق بین المللی پول پیش بینی کرده که سهم چین در اقتصادی جهانی در سال ۲۰۲۰ به ۱۸ درصد خواهد رسید که از سهم ۱۷ ممیز هفت دهم درصدی آمریکا بیشتر است. ]، به واقعیات دیگری نیز در پی ببرید، لازم است سری نیز به مناطق پشت ساختمان های آسمان خراش و سر به فلک کشیده بزنید و شاهد وضعیت زندگی فقرانه و رقت بار مردم در آن مناطق بشوید که هیچ شباهتی با یک جامعه مدرن در قرن بیست و یکم ندارد.

در اینجا ضروری است که به وضعیت چین در رابطه با جهان، تعامل و یا تهاجم نیز توجه شود. آنچه در این مورد قابل توجه است، اتخاذ موضع تهاجمی چین و امریکا در این مقطع در مقابل یکدیگر است. با توجه به این موضوع به موارد ذیل بر میخوریم:

با تصویب قانون امنیت ملی در ژوئن ۲۰۲۰ در کنگره ملی خلق چین، دولت چین در برخورد با خواست های مردم هنگ کنگ ( بنابر آنچه آن کنگره از وضعیت کنونی برداشت میکند ) برخورد امنیتی میکند. بدین معنی که فعالان این تحریکات را : برانداز، جدایی طلب و همکاری با بیگانه و دول خارجی معرفی میکند و در نتیجه آنان را به اشد مجازات محکوم مینماید.

این سیاستی متفاوت با آغاز دوران حکمرانی "دنگ شیائوپینگ" رهبر نخبگان نسل دوم جمهوری خلق چین در سال ۱۹۷۸ است. شخصیتی که او را رهبر عالی مقام چین خطاب میکردند و چین در صحنه بین المللی، سیاست ملایم با دنیا را در پیش گرفته بود و دنیا نیز به اصطلاح، با ملایمت با چین برخورد میکرد و راه چین را برای ورود گسترده به بازارهای کشورهای دیگر، گشوده بود. اما در این مقطع، زمانه دیگری است. امریکا، از مدتها قبل، چین را آماج حملات تبلیغاتی خصمانه خود قرار داده و در رابطه با فعالیتهای اقتصادی این کشور در بازارهای کشورهای متروپل، سد ایجاد میکند و در مواردی نیز قصد برچیدن آن فعالیتهای را دارد.

در ماههای اخیر شاهدیم که دولت ترامپ، جنگ سفارتخانه ها و اعزام نیروی فدرال به داخل کنسولگری چین در هوستون را وارد صحنه کرده است. بستن دفاتر شرکت **تلفن هواوی** را در دستور کار قرار داده است.

بنابر آمار منتشر شده، تعداد مشتریان این شرکت در کشورهای غربی ۵۰۰ میلیون نفر است و آنگونه که منابع غربی اطلاع میدهند، به علت برتری سیستم



های مدرن عرضه شده در این سیستم تلفنی، اکثریت قریب به اتفاق صاحبان این تلفن ها، راضی هستند.

با توجه به اینکه در پشت پرده تبلیغات خصمانه امریکا و سیاست تهاجمی چین، به واقع یک جنگ اقتصادی "پنهان" شده است، جا دارد به برخی از موضوعات مربوط به **تلفن هوای ساخت چین**، نظری بیانداریم.

در ابتدا مقامات آمریکایی به روزنامه نیویورک تایمز اعلام کردند که چین از یافته‌های خود از طریق شنود تلفن همراه ترامپ، برای کمک به خود در جنگ تجاری با آمریکا استفاده می‌کند.

چین با رد گزارش روزنامه نیویورک تایمز درباره شنود تلفن شخصی دونالد ترامپ، به شوخی به رئیس‌جمهوری آمریکا پیشنهاد داده است که به جای تلفن آیفون ایل از تلفن هوای ساخت چین استفاده کند.

جالب توجه اینکه؛ در حالی که آژانس اطلاعات آمریکا اعلام کرده است که چین و روسیه تماس‌های تلفن همراه دونالد ترامپ را شنود می‌کنند، ترامپ هنوز با تلفن همراه، تماس‌های خود را انجام می‌دهد.

دونالد ترامپ در پی رسوایی فساد مالی و دور زدن تحریم‌های آمریکا اقدام به تحریم کامل شرکت هوای نمود. در پی آن تحریم، سرویس‌های گوگل در گوشی‌های موجود هوای باقی نماند. همچنین طبق فرمان اجرایی جدید که از سوی دونالد ترامپ صادر شده است، شرکت هایی همچون tsmc که بزرگترین تولیدکننده مستقل و تخصصی محصولات نیمه‌رسانا در دنیا می‌باشد حق همکاری با شرکت چینی هوای را ندارد. به همین دلیل **تلفن هوای**، شرکت

سرویس موبایلی هوآوی (HMS) را راه‌اندازی کرده تا جایگزین سرویس‌های گوگل شود.

ماجرای جنجال بر سر **تلفن هوآوی ساخت چین**، در واقع همچنان که مقامات آمریکایی به روزنامه نیویورک تایمز اعلام کردند؛ این یک **جنگ تجاری** است. اما اینکه در ادامه موضوع به موارد امنیتی کشیده شد، خبر از "استفاده از هر وسیله" جهت به زانو در آوردن حریف دارد.

چندی پیش، مشاور امنیت ملی آمریکا، چین را متهم کرد که می‌خواهد جای ایالات متحده آمریکا را بگیرد و خود را در جایگاه قدرت اول جهان قرار دهد! امری که از نظر دونالد ترامپ، دولت آمریکا و دیگر امریکائی‌هائی که خواهان حفظ و گسترش سلطهٔ امپریالیسم آمریکا بر جهان هستند. امری نابخشودنی و مستحق آشد مجازات است.

در مقابل چین، آمریکا را به دخالت در امور داخلی خود متهم کرده و به آن کشور در مورد یک "**واکنش قوی**" هشدار داده است.

چین نه تنها در رابطه با آمریکا، بلکه در صحنه‌های دیگری نیز چهرهٔ تهاجمی به خود گرفته است. در ارتباط با اختلافات مرزی با هند در ارتفاعات هیمالیا، بدون وا همه، با مشت آهنین در صحنه، قدرت نظامی خود را به معرض نمایش گذاشته است.

اما موضع تهاجمی چین در صحنه بین‌المللی را در **حوزه دریای جنوبی چین** باید دید. نیروی نظامی چین از مدتها قبل در این حوزه فعال شده است. به نظر میرسد

که پمپئو وزیر امور خارجه امریکا نیز از این موضع تهاجمی چین، تا حدودی وحشت زده شده است، تا آنجا که سه هفته قبل اظهار داشت:

**" اگر جهان آزاد، چین کمونیستی را تغییر ندهد، چین ما را تغییر خواهد داد."**

تا آنجا که اطلاعات و اخبار منتشر شده اجازه میدهد، نگاهی به حوزه دریای جنوبی چین میکنیم. تا بدین وسیله به فعالیت های چین در این منطق آشنا شویم و در مقابل از تحرکات کشورهای دیگر در این منطقه نیز اطلاعاتی کسب میکنیم.

\* - **در حوزه دریای جنوبی چین**، بیش از ۳ هزار میلیارد دلار در سال، تجارت دریائی عبور می‌کند.

\* - ۴۰ درصد تجارت گاز طبیعی مایع شده جهان از این ناحیه عبور می‌کند و تخمین زده می‌شود که ۱۱ میلیارد بشکه نفت و ۱۹۰ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی در دل این آبها جای گرفته است.

**اما برای چین با جمعیت ۱.۴ میلیارد نفری،**

**معضل غذا، مسئله ائی عمده است**

\* - بیش از ۳ هزار نوع ماهی، ۱۲ درصد کل ماهی صید شده دنیا از حوزه دریای جنوبی چین به دست می آید که غذای مورد نیاز صدها میلیون نفر است ( آمار سال ۲۰۱۵ ).

چین در این ادعاهای دریائی در این حوزه، با کشورهای اندونزی، مالزی، فیلیپین، تایوان و ویتنام درگیر است.

وضعیت در دریای جنوبی چین رو به بحرانی شدن گذاشته است. آمریکا برای اولین بار بعد از سال ها، دو گروه ضربت، به رهبری دو ناو هواپیمابر نیمیتس و رونالد ریگان را به دریای جنوبی چین فرستاده و دست به چندین مانور نظامی زده است. آمریکا علاوه بر ناو هواپیمابر تئودور روزولت، هم اکنون سه ناو از ۱۱ ناو اتمی آمریکا را در این منطقه دارد.

در چنین وضعیتی، هل من مبارز طلبیدن این دو قدرت بالا گرفته است. چین در مورد فعالیت نظامی آمریکا در منطقه هشدار داده است و آمریکا تمام ادعاهای چین را غیر قانونی خوانده و به متحدینش گفته است که از منافع آنان دفاع خواهد کرد.

شواهد و قرائن حاکی از آنست که عوامل متعددی در مقطع کنونی، از جمله ضایعات بحران های اقتصادی ذاتی نظام سرمایه داری و فزون بر آن بحران نفس گیر کرونا و شکست آمریکا در کنترل این بحران ها، بعلاوه سیاست ایزولاسیون دولت دونالد ترامپ نظیر خروج آمریکا از سازمان بهداشت جهانی در بحبوحه شیوع کرونا، در کنار افزایش بیکاری در آمریکا و درگیری های مابین حزب دمکرات و حزب جمهوری در موقعیتی که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در پیش است، دونالد ترامپ و کابینه او و دیگر صاحبان زر و زور را در موضع ضعف قرار داده است. بر بستر چنین واقعیاتی است که ایالات متحد آمریکا در سرانجام سقوط از موقعیت یکم خویش در جهان قرار دارد.

در چنین اوضاع و احوالی، به نظر میرسد که چین در موقعیتی قرار دارد که نه تنها در منطقه استقرار خویش، بلکه در سطح بین المللی نیز شانس آنرا دارد که به موقعیت قوی تر و برتری برسد. و اگر در این مسیر نیرومندتر نیز بشود به احتمال زیاد در جهان، از ایالات متحده امریکا پیشی خواهد گرفت.

تا اینجا با موقعیت یکی از طرف های "قرارداد راهبردی میان چین و ایران" آشنا شدیم.

### **در رابطه بار طرف دیگر "قرارداد.."، یعنی جمهوری اسلامی ایران**

برای ایرانیانی که در طول بیش از چهل سال شاهد تداوم حیات نکبت بار این رژیم بوده اند، تکرار مکررات خواهد بود، اما، یاد آوری تیتروار برخی از نکات، احتمالاً میتواند حضور ذهن بهتری در رابطه با چگونگی آغاز، تداوم پروسه قرارداد و سرنوشت احتمالی آن بوجود آورد.

در آغاز پیدایش جمهوری اسلامی ایران، یک موضوع محرز شد. اینکه راه حل های این رژیم در رابطه با معضلات جامعه و یا حل اختلافات درونی آن، قرابتی با بشریت مترقی ندارد. از جمله :

اعدام ها، تعقیب، دستگیری، زندان و شکنجه و نابودی مخالفان رژیم، سرکوب گسترده آزادی های سیاسی به خشن ترین شکل ممکن. برخورد هولناک به هر آنچه و هر آن کس که در چارچوب فکری این رژیم نمی گنجد. نظیر مجازات

سنگسار! تصویب حکم اعدام صاحب خانه هائی که به کسانی خانه اجاره داده اند، که بعداً عنوان شده که مستاجر، مخالف رژیم بوده است. تجاوز به دختران باکره زندانی سیاسی، ( با این "استدلال" که جهت جلوگیری از رفتن دختران باکره بعد از اعدام، به بهشت است).

اعدام دسته جمعی دهها هزار زندانی سیاسی در زندان ها، در شهریور ۱۳۶۰. حمله وحشیانه گله های مسخ شده حزب الله به تظاهرات و تجمعات مردمی که خواست های صنفی و یا سیاسی دارند. ممنوعیت فعالیت های حق طلبانه طبقات و اقشار اجتماعی، از جمله فعالیت های صنفی و سیاسی کارگری، فعالیت های حق طلبانه زنان آزادی خواه، کانون نویسندگان، روزنامه نگاران، وکلا، هنرمندان، عناصر شناخته شده و مورد حمایت مردم، فعالین ترقیخواه و وظیفه شناس محیط زیست، بستن روزنامه ها، اذیت آزار دختران بی حجاب، بد حجاب و جوانان و هرآنچه ماموران انیفرم پوش و یا لباس شخصی های رژیم، کفر آمیز تشخیص دهند.

ممنوعیت فعالیت احزاب و گروه های مخالف رژیم. تعقیب، سرکوب و در مواردی متعدد قتل مخالفان رژیم در خارج از کشور. تحمیل آزار و اذیت و در موارد متعدد شکنجه "سفید" و یا انواع خشن تر آن به زندانیان سیاسی. تحمیل اعترافات اجباری به مخالفان رژیم. ممنوعیت سرکوب فعالیت های حق طلبانه ملیت های ساکن ایران.

غارت اموال عمومی و تصاحب آنها توسط عناصری که از حمایت رژیم ( رهبر، فرماندهان سپاه، دولت، فلان آیت الله و ..... ) برخوردارند.

کوتاه سخن؛ سرکوب آزادی، آزادیخواهان و هر دگر اندیش در داخل کشور و در صورت دسترسی در خارج کشور. به عنوان نمونه، در خارج از کشور: ( شاپور بختیار- پاریس // کاظم رجوی- سوئیس // شرافکندی-آلمان // غلام کشاورز- قبرس // محمد حسین نقدی، ایتالیا //....).

موارد فوق الذکر به عنوان مشتمت، نمونه خروار است. در غیر اینصورت، تنها اشاره مشخص و تیزوار به همه فسادها، غارتگری ها، سیاست های اقتصادی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی و جنایات رژیم سرمایه داری ولایت فقیه در ایران، که از آغاز کار تا به امروز مرتکب شده است، نیاز به دهها صفحه دیگر دارد.

**با توجه به مطالب، فوق اکنون به نکاتی در رابطه با**

**"قرارداد همکاری ۲۵ ساله ایران و چین"**

که قرار است آغاز همکاری های راهبردی باشد، توجه میکنیم:

\*- **محمدجواد ظریف**، وزیر امور خارجه ایران، روز اول مرداد ماه امسال

گفت: **"ما بسیار به توافق نزدیک هستیم"**. آیا اظهارات وزیر امور خارجه

ایران، به حقیقت نزدیک است؟

در مقطع کنونی، تا زمانی که متن کامل این قرارداد راهبردی و ضامتهای احتمالی آن (به دو زبان فارسی و زبان انگلیسی) از جانب دو طرف رسماً منتشر نشود

و بعلاوه انتظارات و ادراک طرفین در این رابطه در دسترس مردم قرار نگیرد، قضاوت دقیق و قابل اعتمادی در رابطه با چگونگی محتوای قرارداد و تاثیرات آن بر مردم ایران میسر نخواهد بود. تا آن زمان، شاهد اظهار نظرهایی خواهیم بود که نویسندگان آنها بر پایه برداشت های خویش، اظهار نظر کرده اند. تا زمانی که متن کامل این قرارداد راهبردی و ضمائ احتمالی آن منتشر شود، لااقل میتوانیم به بررسی نیازهای طرفین به پردازیم و از این طریق برداشت خودمان در این رابطه را تدقیق کنیم.

### نیازهای جمهوری اسلامی ایران و هیئت حاکمه چین در این مقطع،

#### میتوانند از جمله موارد زیرین باشند

۱ - در رابطه با موقعیت رژیم اسلامی ایران در این مقطع میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف - جمهوری اسلامی ایران از طرفی در زیر فشار امپریالیسم امریکا، دچار ضایعات متعددی شده است. از طرف دیگر با رشد جنبش آزادی خواهانه مردم ایران، به ویژه کارگران و زحمتکشان کشور، دیگر قادر نیست، فقط با اتکاء به نیروی سرکوب، به حکومت ادامه دهد.

ب - در میان تعدادی از فرمانده های سپاه پاسداران نیز، نارضایتی هایی بروز نموده است، که، شواهد و قرائنی از آنها به بیرون نیز رخنه کرده است. این



نارضایتی ها در رابطه با چگونگی فرمانفرمائی های خامنه ای، در میان بخش های دیگری از رژیم نیز مشاهده شده است.

ج - نشانه هائی جدی از حرکت جامعه به طرف مرحله انقلابی، دیده میشود. نظام ولایت فقیه پس از چهل سال با خطر رسیدن جامعه به مرحله انقلابی و در نتیجه سقوط احتمالی رژیم در آینده روبرو است، لذا جمهوری اسلامی ایران برای فرار به جلو و جهت مقابله با آمریکا و مطرح شدن به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، نیازمند یک حامی و یا شریک قدرتمند است.

با توجه به اهمیت اعتراضات دیماه ۱۳۹۶ و اعتراضات ۲۴ آبان ۱۳۹۸، که از آن ها میتوان با عنوان ؛ گردبادهای شگرف اجتماعی در تاریخ چهار ده گذشته رژیم ولایت فقیه در ایران یاد کرد، مختصراً نگاهی به آن وقایع میکنیم، تا در این مقطع از حیات این رژیم، به اهمیت آن اعتراضات که پشت رژیم را لرزاند بهتر آشنا شویم.

### **اعتراضات دیماه ۱۳۹۸ ایران**

اعتراضات دیماه ۱۳۹۶ از ۷ دی ۱۳۹۶ (۲۸ دسامبر ۲۰۱۷) که از مشهد و شهرهای بزرگ استان خراسان آغاز شد و سپس به شهرهای دیگر کشور رسید، یک شورش عظیم ضدحکومتی در سراسر ایران بود. آن تحرکات گسترده نشان داد که یک جرقه کافی است تا اعتراضات شعلهور شود.

شورش در مشهد، در آغاز با اعتراض به گرانی و فقر فزاینده و نفس گیر، علیه فساد جاری در کشور و میزان بالای بیکاری آغاز شد. اما به تدریج، دامنه همگانی آن فراتر از مشکلات اقتصادی رفت و مخالفت‌ها با نظام سیاسی ایران به ویژه علیه ولایت فقیه را نیز دربرگرفت.

آن تظاهرات‌ها برخلاف سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ مصون از دخالت اصلاح‌طلبان بود. اعتراضات توسط گروهی عظیم از جوانانی شکل گرفت که محصول فرصت‌های آموزشی توسعه یافته، شهری شدن و خصوصی سازی های اقتصادی بودند.

ویژگی این جوانان اینست که آن‌ها دارای مدارج دانشگاهی هستند، از شبکه‌های اجتماعی به خوبی سر درمی‌آورند، از اوضاع جهان شناخت دارند، و رؤیای یک زندگی متوسط را در سر می‌پرورانند. اما محرومیت اقتصادی، آن‌ها را به سمت زندگی لگد مال شدگان، در محلات فقیرنشین حاشیه شهر سوق داده بود. از ویژه گی های دیگر، شرکت تعداد قابل ملاحظه ای از اقشار مختلف طبقه کارگر و زحمتکشان و اقشار فقیر جامعه در این تظاهرات‌ها بود. خیزش‌های مردمی دی ماه ۱۳۹۶ خاطر نشان میکند که از نظر مردم، این نظام غارتگر، فاسد و مسبب فقر فزاینده و نفس گیر در سراسر کشور است و قادر نیست کوچکترین گره ای از مشکلات جامعه را باز نماید. احساس تحقیر، ناامیدی، تبعیض و فاصله طبقاتی و بی‌پناهی، از دیگر عامل اعتراضات بود. به واقع آن خیزش های مردمی دی ماه، نمایش ناامیدی گسترده‌ای بین جوانان، کارگران و زحمتکشان کشور بود.

وزیر کشور، وقت، تعداد بازداشت شدگان را بیش از ۵ هزار نفر اعلام کرد. علی ربیعی مأمور اطلاعاتی سابق که خود زاده جنوب تهران است و پس از انقلاب اسلامی تا ۱۳۶۰ مسئول شاخه کارگری حزب جمهوری اسلامی بود و سپس از فرماندهان سپاه پاسداران، در مصاحبه‌ای گفت: نا آرامی‌های دی‌ماه ۱۶۰ شهر را دربر گرفت.

### اعتراضات آبان ۱۳۹۸ ایران

پس از آن که در تاریکی شب، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران، بدون اطلاع و اعلام قبلی، در نیمه شب ۲۴ آبان ۱۳۹۸ اعلام کرد سهمیه بندی بنزین دوباره آغاز شده و قیمت هر لیتر بنزین سهمیه‌ای ۱۵۰۰ تومان، و نرخ هر لیتر بنزین آزاد از ۱۰۰۰ به ۳۰۰۰ تومان افزایش یافت، از شامگاه ۲۴ آبان اعتراضات در ۲۹ استان و ۱۰۴ شهر و ۷۱۹ جای کشور آغاز شد.

مردم در اعتراض به اجحافات رژیم به خیابان‌ها ریختند. این یک اعتراض برنامه ریزی و سازمان داده شده نبود. در ابتدا اعتراضی بود به افزایش سه برابری شدن قیمت بنزین.

اعتراضات که عمدتاً در محلات کارگری و فقیرنشین شهری متمرکز و در ابتدا نسبتاً مسالمت‌آمیز بود. پس از مقابله خشونت آمیز نیروهای رنگارنگ رژیم با تظاهرات کنندگان، به تدریج به یک شورش خشونت آمیز علیه نظام تبدیل شد و

شعارهای آنان در رابطه با مشکلات اقتصادی، علیه استبداد دینی و سیاسی و در در تداوم در مخالفت با علی خامنه‌ای و حسن روحانی و به ویژه با شعار " مرگ بر اصل ولایت فقیه " ادامه یافت.

در بسیاری از شهرها، خیابان‌ها به صورت منطقه جنگی درآمد و ساختمان‌های دولتی، خودروها، خودروهای پلیس، بانک‌ها و بعضی از مغازه‌ها توسط معترضان و نیروهای امنیتی تخریب و جریان عادی کسب و کار و آمد و شد مختل شد.

در برخی مناطق شهری شبکه بانکی، مخابراتی، سوخت رسانی و ترابری شهری تخریب و فروشگاه‌های دولتی درهم کوبیده شدند. از شب ۲۵ آبان به دستور شورای امنیت کشور قطعی سراسری اینترنت آغاز شد.

گزارشاتی که در ۲۴ آبان مخابره شده حکایت از این دارد که نیروهای امنیتی، سپاه پاسداران و بسیج با استفاده از سلاح‌های جنگی در نقاط مختلف کشور، به سوی معترضان به صورت مستقیم و هدفمند تیراندازی مستقیم کرده‌اند. همچنین گزارش‌های شهروند خبرنگاران در شهرک چمران روشن میکند که تعدادی از تظاهر کنندگان که با حمله نیروهای امنیتی به سمت نیزار حاشیه شهرک چمران گریخته بودند و در آنجا با رگبار سنگین نیروهای امنیتی مواجه شدند.

بنا بر گزارش وزیر کشور بیش از ۵۰ پایگاه و پاسگاه نظامی مورد حمله قرار گرفت و ۳۴ آمبولانس، ۷۳۱ بانک، ۱۴۰ مکان عمومی، ۹ مرکز مذهبی، ۷۰ پمپ بنزین، ۳۰۷ خودرو شخصی، ۱۸۳ خودرو نظامی و ۱۰۷۶ موتور سیکلت شخصی آتش زده یا تخریب شده است.

خبرگزاری‌ها و سازمان‌های حقوق بشری خارج از کشور، بر اساس تحقیقات و منابع خود، تعداد کشته‌ها را از چند صد نفر تا ۱۵۰۰ نفر اعلام کردند. اما، مقامات رسمی رژیم ایران، پس از ۸ ماه سکوت، اخیراً تعداد کشته شدگان را ۲۲۵ نفر اعلام نموده اند. امری که با توجه به ابعاد شرکت کنندگان در تظاهرات و شدت خشونت ددمنشانه ایادی رژیم، هیچکس را فریب نداده است. اما رژیم همچنین در باره تعداد دستگیر شدگان، همچنان فریبکارانه اعداد متفاوتی ارائه می‌دهد.

علی خامنه‌ای رهبر رژیم، ۲ روز پس از سه برابر شدن قیمت بنزین از تصمیم سران قوا مبنی بر افزایش قیمت بنزین حمایت کرد. اما جنبش ۲۴ آبان ۱۳۹۸، پیشاپیش با طرح شعار " مرگ بر اصل ولایت فقیه " ، مهر باطلی بر این ولایت کوبید.

نکات برجسته آن خیزش عظیم مردمی عبارت بودند از: گستردگی آن جنبش بزرگ، در آن ابعاد گسترده و رشد یابندگی آن، و بویژه توجه به اینکه آن اعتراضات عمدتاً در محلات کارگری و فقیرنشین شهری متمرکز شده بود و بسیاری از شرکت کنندگان آن، سابقاً "کلوخ نشینان" حامی رژیم بودند که بر اثر سیاست های خانه خراب کن رژیم، خواهان نابودی رژیم شده بودند. در رابطه با وضعیت اقتصادی کشور نیز ضروری است که حداقل نگاهی اجمالی به این وضعیت بیاندازیم.

**نگاهی گذرا به اوضاع اقتصادی ایران،**

## در سایه رژیم سرمایه داری ولایت فقیه

بانک جهانی در ماه آوریل (سال ۲۰۱۸) چشم‌انداز اقتصاد ایران را مثبت توصیف کرده و نرخ رشدی بیش از ۴ درصد در سال ۲۰۱۸ را نوید داده بود. صندوق بین‌المللی پول نیز همچنین در ماه مارس سال ۲۰۱۸ رشد ۴ درصدی را پیش‌بینی کرده بود، اما، با تغییر برآوردش در ماه سپتامبر، رشد منفی ۱,۵ درصدی را برآورد کرد؛ و همچنین، طبق این برآورد، نرخ بیکاری به ۱۲,۸ درصد افزایش، و نرخ تورم را نیز به ۲۹,۶ درصد افزایش پیش‌بینی کرد، که بیانگر رکود تورمی است.

رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۹ به منفی ۹,۵ درصد رسید. با توجه به شواهد و قرائن موجود، در سال ۲۰۲۰ میلادی نیز به نظر نمی‌رسد که بهبودی در رابطه با جهت رشد منفی اقتصاد ایران بوجود آید.

در حالی که اقتصاد ایران در تلاش در جهت خروج از رکود بود، در پی وقوع جهانگیر و ویروس کرونا در ایران، از اسفند ۱۳۹۸ تا اردیبهشت ۱۳۹۹ همراه با تبعات جهانی رکود اقتصاد جهانی در اثر کرونا و افت قیمت نفت، بنابر پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول، اقتصاد ایران با رکود منفی ۶ درصدی در سال ۲۰۲۰ دست و پنجه نرم خواهد کرد.

افزایش مداوم نرخ ارز در ایران در دوران های قبل ریاست جمهوری حسن روحانی، در دوره اول ریاست جمهوری او نیز ادامه یافت. ناگهان از اواخر سال ۱۳۹۶ مجدداً سیر صعودی خود را آغاز کرد و در ۱۸ اردیبهشت سال ۹۷

و پس از اعلام موضع دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، مبنی بر خروج این کشور از برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به برجام، شدت گرفت. پس از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، بار دیگر بخشی از تحریم‌های آمریکا علیه ایران که در دولت باراک اوباما برداشته شده بود با دستور دونالد ترامپ و تصویب سنای آمریکا مجدداً بازگشت و بحث تحریم نفت ایران بار دیگر از سوی ایالات متحده مطرح شد.

ارزش ریال ایران در برابر دلار آمریکا و دیگر ارزها در آن زمان به شدت سقوط کرد و در اوایل مهر ماه ۱۳۹۷ از مرز یک دلار در برابر ۱۶۰۰۰۰ ریال (۱۶ هزار تومان) گذشت. اکنون نیز در اواخر مرداد ۱۳۹۹ مدتی است که از مرز ۲۰ هزار تومان نیز گذشته است.

تحقیقات دادستان ویژه آمریکا، حاکی از آن است که جلسات متعددی بین نمایندگان عربستان سعودی با دولت ترامپ برای تضعیف و در نهایت براندازی دولت جمهوری اسلامی از مسیر اقتصادی، اطلاعاتی و نظامی برگزار شده است.

تحقیقات دادستان ویژه آمریکا روشن کرد که در جلسه‌ای در ریاض در مارس ۲۰۱۷، برای برنامه‌ریزی انجام عملیاتهای اطلاعاتی با هدف تخریب اقتصاد ایران، با سرمایه‌گذاری ۲ میلیارد دلاری دولت سعودی با چند شرکت خصوصی فعال، در این زمینه برگزار شده است.

در اواخر پائیز ۱۳۹۷، صعود قیمت اجناس مورد نیاز کارگران و زحمتکشان کشور، بیش از پیش به نارضایتی‌ها دامن زد. فریبرز رئیس‌دانا اقتصاددان فقید

و مشهور ایرانی، برنامه اقتصاد مقاومتی و انحصارطلبی را از عوامل بروز این بحران عنوان کرده بود.

در چنین بنبوه ای دولت روحانی تصمیم گرفت تا قیمت‌ها را تثبیت نماید ولی در سال ۱۳۹۷ موفق نشد.

در مرداد ماه ۱۳۹۷ سی و هشت نفر از استادان و تحلیلگران اقتصادی ایران طی نامه ای، ۳۰ دلیل اساسی که اقتصاد فعلی کشور را بحران زده کرده است را عنوان نمودند و ۲۰ راهکار برای خروج از آن پیشنهاد داده‌اند. در بخشی از این نامه آمده‌است: " در واقع قرار بود اقتصاد دولتی به اقتصاد رقابتی تبدیل شود اما در عمل ما با یک اقتصاد رفاقتی روبرو شدیم؛ این ساختار رفاقتی پدید آمده از مناسبات قدرت - ثروت است.

**حسین راغفر** استاد اقتصاد دانشگاه که به عنوان پژوهشگر فقر شناخته می‌شود، گفته است: "بحران اقتصادی کنونی راحل مشخص دارد؛ اما نیازمند عزم سیاسی است.. در این راه باید گفتگوی ملی برگزار شده و اجازه دهند گروه‌های مختلف با آرای متفاوت بحث کنند".

او همچنین ابراز تاسف خود را اعلام داشت از این که دختری به نشانه اعتراض روسری خود را در میدان انقلاب تهران روی چوب برده، به زندان برده می‌شود، ولی سوداگران و کسانی که در فساد چشمگیر دولتی نقش داشته‌اند همچنان آزاد هستند و کسی به دنبال دستگیری طمع کاران و فاسدین نیست.



کارشناسان اقتصادی جهان با بررسی وضعیت کنونی اقتصاد ایران بر این باورند که اقتصاد ایران به سوی وضعیتی مانند بحران اقتصادی ونزوئلا پیش می‌رود.

گارت فریزن، فعال اقتصادی و کارشناس و تحلیلگر مجله اقتصادی فوربز در وبگاه مجله، وضعیت کنونی اقتصاد ایران را متزلزل توصیف کرده و پیش‌بینی کرده که:

**اگر ایران تحت فشارهای آمریکا نتواند نفت خود را بفروشد با یک بحران**

**خطرناک ژئوپلیتیکی روبرو خواهد شد**

صندوق بین‌المللی پول در جدیدترین گزارش خود، نرخ رشد اقتصاد جهان را در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ اعلام کرد، در این گزارش نرخ تورم ایران در سال جاری در حدود ۳۰ درصد پیش‌بینی شده بود.

بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پی‌در پی، به ویژه در سال‌های اخیر، حکایت از افزایش نارضایتی‌ها، عمدتاً در میان طبقه کارگر و اقشار کم‌درآمد، بیکاران و حاشیه‌نشینان دارد.

برنامه‌های دولت و نظرات مشعشانه "رهبر معظم انقلاب" و اعوان و انصار رژیم ولایت فقیه هرگز نتوانسته نتیجه مثبتی برای اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران به همراه داشته باشد.

در سالهای اخیر در بر همان پایه ای می چرخید که در سالهای گذشته چرخیده بود. یعنی تخفیفی در بحران اقتصادی کشور بهبود وضعیت اقتصادی ایران بوجود نیامده است. غارتگران، به گونه های مختلف، به انباشت ثروت، عمدتاً در بانک های خارج از ایران، ادامه داده و میدهند. فساد جانسوز مالی نیز همچنان گلوی اقتصاد ایران را می فشارد.

در نتیجه با بالا گرفتن وضعیت ناپایدار اقتصادی و تعطیلی بسیاری از کارخانهجات و صنایع تولیدی کشور به دلیل کمبود مواد اولیه تولید و اختصاص ارز وارداتی از طرف دولت به وابستگان غارتگر جناح های رنگارنگ رژیم و همچنین احتکار کالاهای ضروری از طرف افراد سودجو و وابسته به مراکز قدرت به تناوب، منجر به کم شدن این کالاها در بازار شده است. نتیجه اینکه قیمت برخی از کالاهای اساسی و ارزاق عمومی مردم رشد چند برابری پیدا کرده است. قیمت انواع خودرو نیز در بازار ایران به شدت افزایش یافته است.

در رابطه با معضل مسکن نیز همچنان قیمت ها در حال افزایش است به دلیل آنچه که وضعیت بد رکود اقتصادی و نوسان ناپایدار نرخ ارز خوانده میشود، فروشگاه اینترنتی دیجی کالا؛ بزرگترین فروشگاه اینترنتی ایران نیز دست به تعدیل نیروی کار خود زد و تعداد زیادی از کارمندان خود را اخراج کرده است.

انسان باید کر و کور و تهی از شعور باشد تا نفهمد، که حرص و ولع رژیم غارتگر ولایت فقیه، در رابطه با چپاول اموال عمومی و غارت نیروی کار و سرمایه های کشور، پایان پذیر است.

دقت کنید، از ابتدا نیز قرار نبوده که کاری مثبت برای مردم این کشور انجام گیرد. بیاد آورید که با سقوط رژیم شاه، بنیاد پهلوی که آن نیز از چپاولگری فربه شده و بهای اموال منقول و دیگر ثروت های آن معادل صد میلیارد دلار امریکائی برآورد میشد، توسط خمینی و بیت او تصاحب شد و بر آن نام مستضعفین نهادند و در طول دهه های گذشته نیز معادل میلیاردها دلار دیگر بر ثروت بنیاد مستضعفین افزوده شده است.

خمینی وعده داده بود که معضل مسکن مردم و ... را حل خواهد کرد. اکنون ۴۱ سال از وعده های توخالی او گذشته است.

درآمد کشور از محل فروش نفت در ۴۱ سال گذشته نیز مدتهاست که از مرز هزاران میلیارد دلار نیز گذشته است. از درآمدهای نفت، سودی به مردم تهی دست نرسید. وضعیت آنها حتی بدتر از دوران ستم شاهی است. آیا واقعیت این نیست که کارگزاران رژیم تنها ب فکر خودشان هستند؟ اصلاحات و برنامه های اقتصادی رهبر و دولت و...، تنها فریب کاری هائی است در خدمت وقت گذرانی هائی است، به مثابه: از این ستون تا آن ستون فرجی است.

دغل کاری های حسن روحانی، عدم لیاقت "رهبر معظم" و نام گذاری دلبخواهی سال؛ اقتصاد فلان و...، این همه تا به حال هیچ گره ای از مشکلات مردم ایران و منطقه نتوانسته است باز کند، زیرا که:

**خانه از دار بست ویران است، خواجه در فکر نقش ایوان است!**

در حال حاضر وضع مسکن و معاش کارگران و زحمتکشان کشور اسفناک است، اما چپاولگران رژیم ولایت فقیه در بهترین مکان ها در ویلاهای افسانه

ای که شبیه آنها را در فیلم های مجلل هالیوودی میتوان مشاهده کرد، زندگی میکنند. آقازاده های آنها در ناز و نعمت به سر میبرند و میهمانی آنها، عیاشی آنها، ریز و پاش های میلیون دلاری آنها در داخل و خارج از کشور، حیرت انگیز است.

کوتاه سخن اینکه وضعیت اقتصادی ایران در شرایط فعلی، تاسف بار است. رژیم سرمایه داری ولایت فقیه در نهایت بی کفایتی در زمینه اقتصادی و همچنین سیاست خارجی خود را در گردابی گرفتار آورده است، که حتی رهبر، دولت، سپاه پاسداران و دیگر ارگان های ریز و درشت آن نیز متوجه شده اند که اگر اوضاع حکومت بهمین گونه ادامه پیدا کند، در آینده ای نه چندان دور؛

### **نه از تاک نشان ماند و نه از تاک نشان**

به ویژه که پس از جنبش آبان ۱۳۹۸ کما بیش به وضوح دریافته اند که اگر آن گردباد عظیم سراسری به سازماندهی سراسری نیز ارتقاء می یافت، سقوط شان حتمی بود.

با توجه به تجربیات تاریخ ۱۱۵ سال گذشته ایران، که با بیداری ایرانیان آغاز شد، هرگاه که حکومت استبدادی در داخل کشور دچار بحران هائی شدید و مداوم بشود و موقعیت خود را در خطر جدی ببیند و متکی به پایگاه توده ای مستحکمی که بقایش را تضمین نماید، نباشد، ناچار است که تکیه گاهی در خارج از مرزهای کشور جستجو کند. به بیان دیگر با اتکاء به قدرت های خارجی، به حیات اش ادامه دهند. خواه کوتاه مدت و یا دراز مدت!

در چنین شرایطی و با توجه به وضعیت توازن قوا در جهان چند قطبی و جایگاه کشور چین در این توازن، چین که در بسیاری عرصه ها، کشوری پیشرفته است و بطور مشخص نیز در این مقطع ثروتمند، در صورتی که هیئت حاکمه آن لازم بداند، آن قطبی در جهان است که پتانسیل آنرا دارد که در برابر فشارهای آمریکا ایستادگی کند. لذا:

**۱ - چین به ویژه در یک مقطع زمانی معین، از دیدگاه رژیم اسلامی در ایران می تواند، در صورت توافق در یک قرارداد راهبردی بلند مدت، حامی حکومت اسلامی ایران بشود.**

(البته اگر وسوسه هائی نظیر " قرارداد برجام" و وعده های یک قدرت خارجی دیگر مانند امریکا (و هم پیمانانش) بگذارد تا چنین شود!

۲ - از جانی دیگر، هر چند که چین علیرغم آنکه ذخائر ارزی و ذخائر طلای قابل توجهی دارد و در زمینه فن آوری و تاسیسات زیر بنائی نیز از امکانات بالائی برخوردار است، اما، به عنوان کارخانه جهان، بطور مداوم نیاز به وارد کردن انرژی دارد. چین بزرگترین وارد کننده انرژی فسیلی از جمله نفت و گاز است.

شرکت ملی نفت دریایی چین (CNOOP) فروردین امسال ۱۳۹۹ اعلام کرد: یک میدان نفتی جدید با لایه ۲۰ متری در دریای «بئوهای» واقع در شرق چین

کشف کرده است و ظرفیت تولید میدان نفتی جدید با یک چاه را ۴۰۰ هزار بشکه در سال برآورد کرد. این مقدار، معادل بنزین مصرفی ۱۰ هزار دستگاه خودرو در مدت ۵ سال است. اما امکاناتی از این دست، پاسخگوی نیازهای "کارخانه جهان" نیست.

چین از سال ۱۹۹۳ میلادی به یکی از بزرگترین واردکنندگان نفت و گاز جهان تبدیل شده است. این کشور در ۲۰۱۷ میلادی ۲۳۵ میلیارد و ۲۰۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی مصرف کرده است. اما اکنون مصرف گاز طبیعی این کشور به ۲۸۰ میلیارد و ۳۰۰ میلیون متر مکعب رسیده است. در حال حاضر سه خط لوله برای انتقال گاز قزاقستان و ازبکستان به چین وجود دارد که سالانه ۵۵ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی را به چین منتقل می‌کند. چین اکنون نزدیک به ۶۰ درصد از نفت مورد نیازش را از خارج تامین می‌کند. بنا بر این:

**کشور ایران صاحب منابع بسیار عظیم نفت و گاز است.**

**لذا میتوانند تامین کننده بخش قابل توجه این نیاز چین باشند**

۳ - هیئت حاکمه چین جهت توسعه بازار کالاهای گوناگون این کشور، برنامه ای موسوم به طرح جاده ابریشم را در دستور کار خود دارد. این ایده از جاده ابریشمی گرفته شده است که تا سده پانزدهم میلادی، غرب و شرق و جنوب آسیا را به هم و به شمال آفریقا و جنوب اروپا پیوند می‌داد. جاده ابریشم، بزرگترین شبکه بازرگانی دنیا در آن زمان بود.

در آن زمان یکی از مهمترین قسمت نوار شمالی ایران در مسیر جاده ابریشم بود. آن جاده از نوار ساحلی ایران، از شهر گرگان نیز عبور میکرد و به سمت گیلان میرفت و از آن سمت از ایران خارج میشد. جاده ابریشم را شاید بتوان مهم ترین جاده دنیا تا قرن پانزدهم تصور کرد. این جاده نه تنها نقل و انتقال کالا را امکان پذیر می‌کرد بلکه باعث انتقال باورهای فکری نیز شده بود.

اما طرح جاده ابریشم جدید در ۱۶ مه ۲۰۱۷ طی مراسمی با حضور رهبران نزدیک به ۳۰ کشور جهان در چین افتتاح شد، تا راه را برای توسعه طلبی اقتصادی بیشتر چین هموارتر کند.

این مراسم با حضور ولادیمیر پوتین و رجب طیب اردوغان، رؤسای جمهوری روسیه و ترکیه برگزار شد، اما، حضور رهبران اروپایی در آن چندان چشمگیر نبود. بنا بر باور چین؛ جاده ابریشم جدید، امکانات تازه ای را میتواند در اختیار کشورهای قرار می‌دهد که در مسیر آن قرار گرفته اند. تا تجارت خود را در آسیا، اروپا و آفریقا بیش از گذشته توسعه دهند.

شی جین پینگ، رئیس‌جمهوری چین در این باره گفت: " در دوره‌ای که کشورها وابسته به یکدیگرند و تهدیدها بی‌وقفه در جهان ادامه دارد. هیچ کشوری به تنهایی ظرفیت و توان رویارویی با مشکلات جهانی را ندارد".

**در رابطه با عملی شدن طرح جاده ابریشم چین، به گونه ای موثر تر و بیشتر مقرون به صرفه، ایران میتواند از اجزاء مهم این طرح باشد. این نیز میتواند در رابطه با نیازهای ایران و بویژه چین مهم باشد.**

۴ - اما تنها نیازها و توانائی‌ها نیستند که در رابطه با امکانات بالقوه عقد قرارداد راهبردی ۲۵ ساله مابین چین و ایران، خود می‌نمایند. موضوعات دیگری نیز هستند که میتواند در این مسیر اختلال ایجاد نمایند. از جمله این موضوعات؛ وضعیت کنونی هنگ کنگ است.

هنگ کنگ به عنوان یک کلان شهر آزاد، نقش عمده‌ای در جذب سرمایه گذاری خارجی، انتقال تکنولوژی از طریق شرکت‌های چند ملیتی و باز کردن درهای تازه بر روی تجارت جهان با چین داشته است.

اما اکنون دولت چین با تصویب قانون امنیت ملی در ژوئن ۲۰۲۰ در کنگره ملی خلق چین، با ساکنان هنگ کنگ برخورد امنیتی میکند. دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا در واکنش به این امر با امضاء یک دستور اجرائی به تمامی امتیازات ویژه تجارت با هنگ کنگ خاتمه داد.

واکنش دونالد ترامپ در رابطه با هنگ کنگ، میتواند فشاری دردناک به دولت چین وارد آورد که دولت چین را در این مقطع از توسعه طلبی هائی که نامطلوب دولت امریکاست منصرف نماید و از جمله، احتمالاً باعث تقلیل همکاری‌های راهبردی دولت چین با دولت ایران شود.

البته نباید از یاد بُرد که در این رابطه چین، آمریکا را به دخالت در امور داخلی خود متهم کرده و به آن کشور در مورد یک "واکنش قوی" هشدار داده است. آیا این هشدار که نشانه هائی از سیاست تهاجمی جدید چین را به معرض



نمایش گذاشته است، پتانسیل انعقاد قرارداد همکاری راهبردی بلند مدت ایران و چین را میتواند به منصه ظهور برساند؟

فراموش نکنیم که بنابر تبلیغات رسمی، ایران دشمن شماره ۱ امریکا در منطقه است و هر عملی که نشان دهنده تقویت موضع ایران باشد، در بی اعتباری بیش از پیش امریکا در منطقه و جهان، نقش بازی خواهد کرد. این بی اعتباری، میتواند در توازن قوا در منطقه و یا جهان، فشاری دردناک بر امپریالیسم امریکا، وارد کند.

توجه به مطالب ذیل - که در سایت اینترنتی اوکی تی (OKT.IR) که از قول تابناک به تاریخ بیست و شش تیر ماه ۱۳۹۹ درج شده است - نیز خالی از لطف نیست. البته ادعا شده است که این مطالب، روایت نشریه اسپانیایی از سیلی ایران و چین به آمریکا است:

" چین درگذشته و اکنون از مهمترین کشورهای تامین کننده نیازهای ایران در زمینه کالا، خدمات، فناوریهای روز و مشتری محصولات انرژی ایران محسوب میشود. چین بزرگترین قدرتی است که هژمونی خود خوانده آمریکا را تهدید می کند و ایران نیز تنها کشوری در منطقه است که سیطره آمریکا را بر نمی تابد؛ مزایا و واقعیات روابط ایران و چین در حکم ابریشمی گرانبها برای دو کشور محسوب می شود."

گذشته از اینکه یک نشریه اسپانیایی، چنین روایتی و چنین موضوعاتی را در زمینه روابط ایران و چین و یا در رابطه با موضوعات دیگر مطالب فوق

الذکر منتشر کرده باشد و یا خیر، انتشار چنین مطالبی جهت خواننده ایرانی، با این قصد همراه است که انتشار دهنده، مواضع خودش را به خواننده ناآگاه، القاء کند. آن مطالب از قرار زیر است :

۱ - چین بزرگترین قدرتی است که هژمونی خود خوانده آمریکا را تهدید می‌کند.

۲- ایران تنها کشوری در منطقه است که سیطره آمریکا را بر نمی‌تابد.

۳- مزایا و واقعیات روابط ایران و چین در حکم ابریشمی گرانبها برای دو

کشور محسوب می‌شود.

کوتاه سخن؛ در شرایط فعلی، از نظر سران سپاه، طبعاً کاست روحانیت و در رأس آن "رهبر معظم انقلاب" و بیت او و در نتیجه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران؛ برای مقابله با آمریکا و مطرح شدن به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، ایران می‌بایست به دنبال یک شریک قدرتمند باشد. چین آن شریک قدرتمند و ثروتمندی است که نیاز به وارد کردن انرژی دارد و مهمتر از همه اینکه، شاید از دید حکومت ایران، چین قدرتی است که می‌تواند در برابر فشارهای آمریکا ایستادگی کند. لذا قرارداد راهبردی ایران و چین، مزایایی دارد که در حکم ابریشمی گرانبها برای دو کشور محسوب می‌شود.

تا اینجا تلاش شده است که وضعیت دو کشوری که در مقطع زمانی معینی، احتمالاً قرارداد راهبردی بلند مدتی را به مورد اجرا خواهند گذاشت، مورد بررسی قرار دهیم و ضمناً به بررسی نیازهای طرفین به پردازیم و از این طریق برداشت خودمان در این رابطه را تدقیق کنیم.

اما همچنان که در صفحات پیشین اشاره شد، تا زمانی که متن کامل این قراردادِ راهبردی و ضمائماً احتمالی آن (به دو زبان فارسی و زبان انگلیسی) از جانب دو طرف رسماً منتشر نشود، در رابطه با چگونگی محتوای قرارداد و تاثیرات آن بر کشور ایران، اظهار دقیق و منطبق بر واقعیات میسر نخواهد بود.

تا اینجا با اشاره به مطالبی که توسط "تابناک" منتشر شده و بنا به ادعای آن نشریه "روایت نشریه اسپانیایی ..... " است، که به واقع انتظارات و برداشت هائی است؛ که از "درون نظام مقدس" عرضه شده بود.

در ادامه خالی از لطف نخواهد بود که نگاهی نیز به آنچه فرضاً میتواند معرف قرارداد راهبردی ایران و چین، از نظر یک رسانه انگلیسی و سایت اینترنتی "اوایل پرایس" باشد، بکنیم.

از آنجا که تا کنون، بنابر شواهد و قرائن بسیاری، بندهائی نسبتاً مستحکم، حکومت اسلامی ایران و انگلستان را به یک دیگر پیوند میدهد، شاید که گوشه هائی از آنچه آن رسانه انگلیسی و سایت اینترنتی فوق الذکر بدان ها پرداخته اند، قرابتی با "قرارداد راهبردی ایران و چین داشته باشد. اکنون به آنچه آن رسانه انگلیسی و سایت اینترنتی عرضه کرده است، می پردازیم:

قبل از آغاز تحریم های ایران توسط امریکا در سال ۲۰۱۶ توافق نامه ای در رابطه با همکاری مابین چین و ایران، به امضاء میرسد. جهت تکمیل آن، تفاهم نامه ای نیز مابین آنها به تصویب میرسد. در آن تفاهم نامه، به ادامه گسترده تر توافقات و همچنین، جنبه های نظامی توافقات که قرار است اجرا شود، اشاره میشود. البته این قرارداد نهائی نشده است و گفتگوی پایانی، به ویژه در حوزه

نظامی، میبایست بین طرف های ایرانی، چینی و طرف روسی، حدود هفته دوم اگوست انجام شود. اگر در آن زمان طرفین به توافق رسیدند، آنگاه آن توافق نامه [توافق راهبردی]، از نهم نوامبر ۲۰۲۰ اجرائی خواهد شد.

[توجه از من است: امریکائی ها روز ۳ نوامبر ۲۰۲۰ (۱۳ آبان ماه ۱۳۹۹) برای انتخاب چهل و ششمین رئیس جمهور آن کشور روانه صندوق های رأی خواهند شد. لذا احتمالاً قرارداد راهبردی مذکور شش روز بعد از انتخاب رئیس جمهور امریکا، یعنی زمانی که نتیجه انتخابات در امریکا روشن شده است، اجرائی خواهد شد. این بدین معناست که هم پای منافع چین و هم پای منافع ایران به پای مرغ پیروز آن انتخابات بسته شده است.]

این توافق نامه ۲۵ ساله ایران و چین (که شامل پنج دوره ۵ ساله خواهد بود) شامل سه بخش اصلی است.

۱- سرمایه گذاری چین در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی است.  
۲- سرمایه گذاری چین در گسترش و باز سازی زیر ساخت های حمل و نقل ایران.

۳- حضور نظامی چین و روسیه در ایران.  
در رابطه با بخش ۱، چین قرار است که در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی، معادل ۲۸۰ میلیارد، در پنج سال نخست، سرمایه گذاری کند. در رابطه با بخش ۲، چین معادل ۱۲۰ میلیارد قرار است سرمایه گذاری خواهد کند. در صورت توافق دو طرف، احتمالاً تمامی سرمایه گذاری ها در دوره ۵ سال بعدی، افزایش خواهد یافت.

در رابطه با سرمایه گذاری ۲۸۰ میلیارد دلاری چین در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی، ایران موظف است، در پروژه های جدید، در پروژه های تکمیل نشده و پروژه هائی که بهر دلیل متوقف مانده اند، اول به شرکت های چینی پیشنهاد همکاری بدهد و در صورت عدم پذیرش چینی ها، بسراغ شرکت های دیگر برود.

[ توجه از من است: با توجه موضوع فوق الذکر، دولت ایران، تا بیست و پنج سال دیگر، اگر در موردی در رابطه با صنعت نفت و گاز و پتروشیمی، پیشنهادی از شرکت های دیگر (غیر چینی) دریافت کند که مقرون به صرفه باشد، بدون موافقت شرکت های چینی طرف قرارداد، اجازه همکاری با آن شرکت های دیگر (غیر چینی) را ندارد. به بیان دیگر، حتی در صورتی که "نظام مقدس" سقوط هم بکند و رژیم دیگری بر سر کار آید، کشور ایران تا ۲۵ ساله دیگر اسیر آن قرارداد راهبردی خواهد بود!].

مورد دیگری که در این قرارداد وجود دارد، حکایت از این دارد که چین اختیار دارد که تمام و یا بخشی از محصولات نفت و گاز و پتروشیمی را تا ۲۵ سال دیگر بخرد.

[ توجه از من است: نیاز چین، به انرژی فسیلی، تمام ناشدنی است، لذا چین بطور مداوم در جستجوی نفت و گاز ارزان است. بنابر این چین مرتباً در حال ذخیره کردن نفت در انبارهای عظیم ذخائر نفتی است. (جهت روز مبادد؟! ). لذا هر زمانی و هر کشوری به هر دلیلی نفت خودش را زیر قیمت عرضه کند، چین خریدار است.

بنابر قرارداد راهبردی، چین حق دارد خرید نفت از ایران را متوقف کند. بهر مدت که بخواهد. ایران چه در حال حاضر و یا بعد از "رژیم مقدس"، اگر مدت زمان برای بازگشت خریدار چینی، به درازا بکشد، آنگاه، یافتن خریداری برای نفت ایران، به سادگی میسر نیست. زیرا هر کشوری جهت تامین نیازهایش به انرژی فسیلی، با فروشنده مورد نظرش قرار داد خرید امضاء کرده است و معمولاً نیز جهت پائین آوردن قیمت پایه، قرارداد بلند مدت ارجعیت دارد. بنابر این، عملکردهای احتمالی فوق الذکر چین، قادر است، چه "نظام مقدس" را و چه نظام مردمی بعدی را، تا ۲۵ سال دیگر، با بحران و حتی بحران های شکننده روبرو کند. اگر این بند در قرارداد راهبردی چین و ایران واقعاً وجود داشته باشد.

مسئله دیگر موضوع مجموعه تخفیف هائی است که به دلایل متفاوت قرار است به شرکت های چینی ها داده شود. اگر آنچه رسانه انگلیسی و سایت اینترنتی فوق الذکر، مدعی است که در قرارداد راهبردی ایران و چین آمده است، حقیقت داشته باشد، یعنی ایران متعهد شده است که در مجموع ۳۶ درصد تخفیف، به شرکت های چینی بدهد. باید اذعان داشت که آن تخفیف ها هم میتواند برای اقتصاد ایران دردناک باشد.

موضوع قابل ذکر دیگر این است که شرکت های چینی حق دارند که پرداخت بدهی های خودشان به طرف ایرانی را تا دو سال به تعویق بیاورند. توجه کنید؛ شرکت های نفتی چینی، نفت و گاز مورد نیازشان را، نقداً دریافت میکنند، که طبعاً بابت سرمایه گذاری های آنان در ایران، حساب میشود. اما، بابت نفت و

گازی که نقداً دریافت میکنند، اگر بیش از اقساط بدهی های ایران به چین باشد، آنگاه تجار چینی این حق ویژه را برای خودشان قائل هستند که پرداخت بدهی شان را دو سال به تعویق بی اندازند. اینکه قدرت خرید ارز بدهکاری آنها، دو سال بعد به احتمال قریب به یقین، کمتر خواهد بود، چه باک! در عالم دوستی میتوان فداکار بود و ساکت. اما چرا این فداکاری میبایست یک طرفه باشد؟

در این قرارداد، در رابطه با اینکه بالاخره، پس از دو سال تاخیر، عاقبت هنگامی که شرکت چینی بدهی اش را پرداخت میکند، خدای ناکرده! اختلافی پیش نیاید، شرکت چینی، مختار است، آنگونه که برایش صرف دارد، نوع ارزی را میخواهد بپردازد، خودش انتخاب کند. بطور مثال اگر ارزی که دم دستش است، پول اوگاندائی است، آنرا بابت تسویه حساب، تقدیم برادران قاچاقی ایران کند. اگر پول سودانی و یا پول جامائیکائی است، آنرا تقدیم کند.

البته شاید که برای ایران معامله بدی هم نباشد. در چنان حالتی ایران به بازار **جهانی خرید و فروش!** وارد میشود. از آنجا که بطور مثال اگر پول ترکمنستانی دریافت کرده باشد و نتواند آنرا در خرید قاچاقی از کشورهای دیگر، مصرف کند، آنگاه از ترکمنستان و یا اوگاندا خرید میکند! البته اگر طرف های معامله، پول کشور خودشان را بپذیرند!. موضوع شایان توجه دیگر اینکه: تعیین قیمت پایه آنچه شرکت های چینی از ایران میخرند، با چین است. به زبان آدمی موضوع از این قرار است: خریدار، قیمت کالای فروشنده را تعیین میکند!

اگر قرار باشد که به هم موارد قراردادی که انگلیسی ها ادعا کرده اند، نسخه انگلیسی زبان قرارداد راهبردی ایران - چین است، پرداخته شود، از حوصله

این مقاله خارج میشود. لذا در پایان این تفحص، سری به داده های نشریه "تابناک" میزنیم، تا نظری کتبی از درون حکومت اسلامی ایران را مورد توجه قرار دهیم و مختصراً در این رابطه به قضاوت بنشینیم. در سطور ذیل آنچه ما بین "گیومه" آمده نظر تابناک و بقیه مطالب نظر نویسنده مقاله است:

- بنا بر نظر نشریه "تابناک" که زیر سایه بلند بخشی از سرداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کارش ادامه میدهد "توافق نامه راهبردی و بلند مدت ایران و چین، برنامه ۲۵ ساله همکاری مشترک ایران و چین، مربوط به امروز و دیروز نیست، طرحی است که چندین سال است روی جزئیات آن از سوی دو طرف کار شده است"، "که طبق آن بناست چینی ها در صنعت نفت، گاز، پتروشیمی، زیر ساخت حمل و نقل، کشاورزی و تسلیحاتی و اطلاعاتی میان دو کشور" دست به کار بشوند. و ادامه میدهد که "چون در آستانه اتمام تحریم های تسلیحاتی ایران قرار گرفته ایم به نظر میرسد که امریکائی ها و هم پیمانان آن به ویژه نتوانند برای جلوگیری از آن موضوع اقدام خاصی انجام دهند".

چرا؟ زیرا "همکاری تسلیحاتی و اطلاعاتی میان دو کشور، منجر به بی اثر شدن تحریم های امریکا خواهد شد". "تابناک" ادامه میدهد: "نکته مهم قرارداد [ سرمایه گذاری چینی ها ] این است که میتواند یک جهش بزرگ ویژه اقتصادی برای ایران به ارمغان بیاورد و منجر به بهبود زیر ساخت ها و هر چه بهتر شدن شرایط کشور بشود".



چرا این چنین میشود؟ چرا اجرای این قرارداد، منجر به " هر چه بهتر شدن شرایط کشور" میشود؟ تبلیغات "تابناک" پرده از این راز سر به مهر بر میدارد: "چین در ابر راهبرد سیاست خارجی خود احیای جاده ابریشم را دنبال می‌کند تا درهای اقتصادش را بیش از پیش به سوی مقاصد جهانی بگشاید؛ مسیری که ایران در آن نقطه‌ای ژئواستراتژیک محسوب می‌شود و گذار جاده ابریشم از خاورمیانه و ادامه مسیر به سوی اروپا، آفریقا و خاور نزدیک اهمیت ایران به عنوان یک شریک تجاری مطمئن را روزافزون می‌سازد".

بنابر این نظریات، به واقع، ایران پُل پیروزی چین در این مسیر است که چین، با درنوردیدن این پُل ؛ "درهای اقتصادیش را بیش از پیش به سوی مقاصد جهانی" میگشاید. چرا "تابناک" مطمئن است که ایران دارای چنین اهمیتی برای چین است؟ زیرا در طرح جاده ابریشم چین (که اهمیت جایگاه آن، چنان رفیع است که در قانون اساسی چین، بندی به آن اختصاص داده شده است )، " ایران در آن نقطه‌ای ژئواستراتژیک محسوب می‌شود " ، لذا "اهمیت ایران به عنوان یک شریک تجاری مطمئن" روز افزون است. نکته قابل توجه در این میان این است: اگر این چنین است که بنابر نظر "تابناک" و از آنجا اکثریت سرداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، خود آنان را قانع میکند که اهداف پنهان آنان در سایه تصاحب سهمی درشت از سرمایه گذاری در قرارداد راهبردی ایران برایشان تامین نمیشود، چرا از "نعمت" شعور استفاده نمیکنند و تجار چینی ( اعم از دولتی و غیر آن) نمی خواهند که به عوض پس گرفتن صدها میلیارد دلار سرمایه گذاریشان در ایران و بهره آن - که در عمل میتواند معادل پنجاه در صد

به بدهی های ایران به چین بیفزاید- دوستان چینی آنها معقول تر به موضوع سرمایه گذاری در ایران فکر کنند و از بدهکار کردن ایران چشم پوشی کنند و بابت گذشتن راه ابریشم از ایران و استفاده از خاک و امکانات این کشور، هر سال حق ترانزیتی برای ایران در نظر بگیرند که بودجه احداث "زیر ساخت حمل و نقل" را - که آن نیز میتواند در خدمت ایجاد تسهیلاتی در رابطه با طرح جاده ابریشم چین به کار آید را - تامین نماید. به ویژه که همین "زیر ساخت حمل و نقل" در ایران نیز در آینده تسهیلات فراوانی جهت انتقال نفت، گاز و تولیدات معادن ایران به چین را فراهم خواهد آورد.

شاید که قدرت یابی بیش از پیش سرداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در سایه همکاری تسلیحاتی و اطلاعاتی میان دو کشور، احتمالاً جایگاه این نیروی اصلی مسلح رژیم را در آینده پُر قدرت تر و امکان چپاول آنرا نیز بیشتر از گذشته خواهد کرد. به تحولات دهه های گذشته در پاکستان توجه کنید! شاید که این آینده پُر برکت است که باعث شرم حضور برادران قاچاقچی میشود و آنان را عاجز از دفاع از حقوق "مستضعفان" میکند!

امیدوارم نکاتی که تا اینجا در رابطه با قرارداد راهبردی احتمالی همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، از نظر شما گذشت، مفید و قابل استفاده در زمانی که دولتین ایران و چین، به دور از هر گونه هراسی، قرارداد نهائی راهبردی مابین خویش و همچنین ضائم آنرا منتشر میکنند باشد. در آن زمان، شاید که مطالب فوق الذکر بتواند همانند "گذشته، چراغی فرا راه آینده"، در درک محتوای واقعی آن قرارداد، به کار آید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم

یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۹۹ برابر با ۱۶ اگوست ۲۰۲۰